

بیست و پنج کتابدار* (از قرن نهم تا چهاردهم هجری قمری)

احمد شعبانی

سرآغاز سخن

آنچه به منزله فهرستی از اسامی و نشانی کتابداران ایرانی در طول قرون نهم تا چهاردهم هجری قمری ضبط شده، مجموعه یادداشتهایی است که به نقل از منابع و مآخذ متنوع در طول یک‌دهه اخیر گردآوری شده است. ضبط نام کتابداران ایرانی به منزله خادمان فرهنگی در طول حیات تاریخ، مبین جایگاه و اشتغال این افراد در نزد حکام، دربار، و امکانه متنوع است. از پاره‌های سرگذشت آنان آشکار است، که هریک از این کتابداران صاحب فنی در زمینه هنری یا علمی بوده و برخی به دلیل مصائب روزگار رخت هجرت به دیگر بلاد کشیده‌اند که خود، نشان از اهمیت جایگاه حرفه مزبور داشته است، از منظری دیگر پراکندگی کتابداران در بلاد مختلف مانند اصفهان، تبریز، شیراز،

* پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار) به کوشش ایرج افشار و کریم اصفهانیان. تهران:

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱. ج ۱۳. ص ۱۷۵-۱۸۲.

زوین، کاشان، و بالآخره تهران بازتابی از اعتبار کتابخانه و کتابداری در سراسر این سرزمین در قرون پیشین است.

(۱)

اسماعیل خان امیر تومان [میرزا]

ایجاد کتابخانه ملتی: ۱۳۱۶ هـ . ق ... ریاست کتابخانه به دست میرزا اسماعیل خان امیر تومان آجودانباشی است.^(۱)

(۲)

جعفر بن علی بایسنغری

مولانا جعفر بن علی تبریزی بایسنغری، از معروفترین نستعلیق‌نویسان قدیم است. یک جا سال مرگش را ۸۶۰ و جای دیگر ۸۶۲ ثبت کرده ... مورخان و تذکره‌نویسان متذکرند که در کتابخانه بایسنغر میرزا، چهل تن خوشنویس و دیگر هنرمندان، پیوسته به ریاست و سرپرستی جعفر تبریزی به کار کتابت و مصوری و مذهبی و قطعی و وصالی و مجلدی و از این گونه هنرها مشغول بوده‌اند.^(۲)

همچنین مصطفی عالی آورده است:

شاگرد ماهر آنان و مقتدای کتابت مآثر استادان سلف، مولانا جعفر تبریزی است که استاد دبستان بایسنغر میرزای سابق الذکر و رئیس معارف نشان کتابخانه بهشت آثار وی بود. خوشنویسان دیگر آن روزگار شاگردان خدمتگزار وی بودند.^(۳)

(۳)

حاجی ملا محمد کتابدار [زنده در ۱۲۱۲ هـ . ق]

عالیجناب مقدس القاب افادت و افاضت پناه حقایق و معارف آگاه کھف الحاج و المعتمرین حاجی الحرمین حاجی ملا محمد کتابدار سرکار فیض آثار.^(۴)

(۴)

صادقی بیک افشار

اسمش صادقی بیک از جماعت افشار است و صاحب دیوان، تذکره‌ای بر احوال معاصرین خود نوشته و نظر به مهارت نقاشی و خطاطی در کتابخانه دیوانی ملازم دارد.^(۵)

دکتر مهدی بیانی می‌نویسد: صادقی بیک افشار کتابدار شاه عباس، مولف تذکره مجمع الخواص.^(۶)

(۵)

علی تبریزی جواهر رقم

سید علی بن محمد مقیم بن میر شاهمیر از سادات حسینی تبریز بود ... شهرت وی در دربار عالم‌گیر بوده و خطاب «خان» و عنوان «هزاری» را از او دریافته و از آن در گذشته و سمت «خدمت نویسی» و کتابداری خاصه را یافته است ...

شهرت، اهمیت و اعتبار او از هند به ایران رسیده است که، میرزا طاهر نصرآبادی در تذکره خود آورده: «گویند کتابدار است و نهایت اعتبار دارد».^(۷)

(۶)

علیرضا تبریزی

از بزرگترین خوشنویسان دوره صفوی و از هنرمندان نامی اسلامی است علیرضا مورد توجه و تفقد شاه عباس و در سفر و حضر، هنگام صلح و جنگ ملازم وی بود و سمت خوشنویس پادشاهی یافت و به همین مناسبت «عباسی» رقم کرد. کتابداری خاصه‌ی سلطنتی به وی مفوض بود.^(۸)

(۷)

علیقلی بیک ولد قرچقای خان

در سه شنبه غره شهر ذیقعه علیقلی بیک ولد قرچقای خان را به جهت کتابداری تعیین نموده، به آن خدمت سرافراز نمودند.^(۹)

(۸)

عنایت الله شیرازی

مردی خلیق و هموار است چون از خط نسخ و تعلیق بهره داشت هر آینه منظور نظر حضرت شاهنشاهی گردیده در کتابخانه همایون همت به امر کتابت گماشت و به تدریج قامت احوالش به خلقت ترقی آرایش یافته، رأیت کتابداری برافراشت و تا حال از آن می سرگرم بوده از خدمتکاران نزدیک است.^(۱۰)

دکتر مهدی بیانی اضافه کرده:

از ملازمان نزدیک شاه و تا زمان سلطنت جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴) و شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) در دربار سلطنت ملازم بود.^(۱۱)

(۹)

قاضی یحیی

از لاهیجان است اما چون در کاشان بسیار بوده به کاشی شهرت دارد. بعد از سی سال از این ولایت دلگیر شده به هند رفته اعتباری به خدمت شاه جهان به هم رسانیده، در اواخر عمر به منصب کتابداری سرافراز شده، بعد از مدتی به کاشان آمده.^(۱۲)

(۱۰)

محب علی نایی

فرزند و شاگرد رستم علی خوشنویس است. کتابدار سلطان ابراهیم میرزا

صفوی بود و به همین مناسبت «ابراهیمی» رقم می‌کرد.

محب علی به کتابداری قناعت نکرد و بلندپروازی آغاز نهاد و در مزاج ابراهیم میرزا و امور ملکی دخالت می‌کرد. پس از هشت سال که در خدمت این شاهزاده بود، شاه طهماسب او را به قزوین احضار کرد و مدتی در ملازمت سام میرزا بود، بعد شاه طهماسب او را ملازم سید بیک مشهور به سید منصور نمود... و به سال ۹۵۵ درگذشت.^(۱۳)

(۱۱)

محمد امین عقیلی تبریزی

از اولاد عقیل است و خاندان وی در رستم‌دار مازندران بوده اند... در زمان حکومت حمزه میرزا، کتابدار اسمی خان شاملو شد. شاهزاده حمزه میرزا به وی محبت داشت و او را «صاحب السیف و القلم» خطاب می‌کرد.^(۱۴)

(۱۲)

محمد شفیع قزوینی [زنده در ۱۰۱۴ هجری قمری]

در کتابخانه سلطنتی ملازم بود و بیست تومان مواجب داشت ... میرزا سنگلاخ به او لقب «خلیفه الخلفاء» داده و گفته است که در دوازده سالگی از قزوین به اصفهان رفت و نزد پدر تعلیم خط گرفت و خط خود را نزد میر عماد تکمیل کرد. شعر می‌گفت و کتابدار شاه عباس بود و پس از مرگ پدر به قزوین بازگشت و به مشاغل مهم دیوانی اشتغال ورزید.^(۱۵)

(۱۳)

محمد مقیم تبریزی

فرزند میر شاهمیر است که اصلاً تبریزی و ساکن عباس آباد اصفهان بود

... محمد مقیم از شاگردان میر عماد بود و کتابت خفی را خوش می‌کرد ... محمد مقیم ظاهراً قبل از انتقال به هندوستان، کتابدار شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بود و تا سال ۱۰۶۴ نیز بر سر این کار بوده است.^(۱۶)

(۱۴)

محمد مؤمن هروی

برادر محمد حسین مجلد، صحاف زبردست و پسر شاه محمود هروی است، که سالها با برادر خود در کتابخانه خان خانان به کارهای هنری اشتغال داشتند ... در سال ۱۰۲۵ درگذشته است.^(۱۷)

(۱۵)

محمود هروی [شیخ]

از شاگردان جعفر تبریزی بایسنغری است ... شیخ محمود ابتدا نزد پیر بوداق بن جهانشاه قراقویونلو به امر کتابت مشغول بود و به همین مناسبت در بعضی آثار خود «پیر بوداقی» رقم کرده است. پس از آنکه حکومت از خاندان قراقویونلو به آق قویونلو منتقل شد (سال ۸۷۴)، شیخ محمود به دربار سلطان یعقوب بن اوزون حسن پیوست و در کتابخانه این امیر هنرپرور به کار کتابت پرداخت ...

مرقعی بسیار نفیس از متروکات سلطان یعقوب ... است ... و از مفاد آن چنین استنباط می‌شود که در کتابخانه آن امیر سمت ریاست را داشته است.^(۱۸)

(۱۶)

مظفر شیرازی

اسمش آقا غلامحسین، اشتغال به تحصیل علم و کمال دارد.^(۱۹)

دکتر محمود طاووسی نوشته است:

از شعرای اواخر قرن سیزدهم و اوایل سده چهاردهم هجری قمری در بستک لارستان متولد شده است. از اوایل حالش خبری در دست نیست، ... در بدو ورود به شیراز گذرش به مدرسه منصوریه می افتد ... و کم کم در محضر استادان و مدرسین آن مدرسه حضور می یابد ... پس از تاسیس کتابخانه معارف در شیراز به سال ۱۳۰۵ شمسی عهده دار مسئولیت آن می شود و حتی پس از انتقال کتابخانه جدیدالتاسیس شاهپور آن روز، وی کماکان و تا آخر عمر تصدی آن کتابخانه را به عهده داشته و سرانجام در سال ۱۳۱۲ شمسی بدرود جهان می گوید. در هنگام فوت، وی حدود ۶۵ سال داشته است.^(۲۰)

(۱۷)

لسان الدوله

کتابدار کتابخانه های سلطنتی. میرزا علی که در زمان ولیعهدی مظفرالدین شاه در تبریز پیشخدمت و کتابدار بود در سال ۱۸۹۶ به تهران آمد، و به سمت «کتابدارباشی» منصوب و ملقب به «لسان الدوله» گردید.^(۲۱)

(۱۸)

مولانا قطب الدین میرحسینی

صدر اجل مجیر الدین او را به خدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم و کان فضل است ... کتابخانه سر پل بازارچه^(۲۲) او را دادند.^(۲۳)

(۱۹)

میر حسین حسینی [مشهور به میر کلنگی]

سالها خوشنویس و کتابدار کتابخانه عبدالله ثانی امیر بخارا (۱۰۰۶-۹۶۴)

بوده، گاهی «کتابداری سلطانی» و گاهی «کاتب الخاقانی» رقم می‌زده است. (۲۴)

(۲۰)

میرزا صادق دستغیب

والد ماجدش و خودش قاضی القضاات شیراز بوده ... در زمان شاه جنت مکان، شاه صفی او را به علت حسن خط طلب داشته مدتی در کتابخانه جهت سرکار پادشاه کتابت می‌کرد. از علو همت سر به این معنی نیاورده ترک کرده به شیراز رفت، بعد از مدت سهلی گویا در لار فوت شد. (۲۵)

(۲۱)

میرزا مقیم کتابداری

خلف عالیحضرت میرزا قواما، ایشان از اکابر کفران روی دشت است من اعمال دارالسلطنه اصفهان. والد ایشان در زمان شاه عباس ماضی مستوفی الممالک بوده ... و حضرت میرزا مقیم به امر کتابداری سرافرازند، مجملاً جوان آدمی صفتی است درکمال همواری و ملایمت. (۲۶)

(۲۲)

میر سید علی

ولد مرحوم میرزا مقیم تبریزی، جد ایشان میر شاهمیر است که از سادات نجیب است و در عباس آباد اصفهان ساکن بود، میرزا مقیم جوان آدمی بود نسخ تعلیق را خوش می‌نوشت. به اتفاق والد ماجد به هند رفته والدش در آنجا فوت شد، خود در خدمت پادشاه والجاه هند می‌باشد. چنین مسموع شد که کتابداری است و نهایت اعتبار دارد. (۲۷)

(۲۳)

نورالدین اصفهانی

برادر بزرگ محمد صالح و فرزند ارشد ابوتراب خوشنویس اصفهانی است.

محمد صالح در تذکره خود درباره وی چنین آورده است:

آقا نور ولد اکبر ایشان [ابوتراب] که برادر بزرگ بنده باشد، به صفات حمیده‌ی پدر بزرگوار متحلی و در هر فنی از فنون خطاطی از همه شاگردان پدر و خوشنویسان عهد خود در پیش و نهایت امتیاز بهر معنی داشت و در کتابخانه [شاه عباس بزرگ] ملازم بود. در سنه هزار و نود و چهار به رحمت ایزدی پیوسته، در پهلوی پدر بزرگوار، مدفون گشت.^(۲۸)

(۲۴)

نهاد بیک [امیر]

به نقل میرزا سنگلاخ، به سال ۱۰۰۹ که شاه عباس پیاده به زیارت آستان رضوی به مشهد رفت، امیر نهاد بیک همراه و ملتزم بود و در مشهد سمت کتابداری شاه عباس را یافته است.^(۲۹)

(۲۵)

هدایت الله زرین قلم

کتابدار کتابخانه عالم گیر پادشاه هندوستان (۱۱۱۹-۱۰۶۸) و معلم مشق خط کام بخش و دیگر شاهزادگان دربار بود.^(۳۰)

یادداشت:

۱. یادداشتهای ملک المورخین و مرآت الوقایع مظفری: عبدالحسین خان سپهر، به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران، زرین، ۱۳۶۸، ص ۲۷۵ - ۲۷۶.

۲. *احوال و آثار خوشنویسان*: مهدی بیانی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳. جلد ۱ - ۲، ص ۱۱۴-۱۱۷.
۳. *مناقب هنروران*: مصطفی عالی افتدی، ترجمه توفیق ه. سبحانی. تهران: سروش، ۱۳۶۴. ص ۵۹.
۴. «دو سند در تاریخ کتابداری ایران» در *فصلنامه کتاب*: احمد شعبانی. دوره اول. شماره ۲-۴ (۱۳۶۹)، ص ۳۹۴.
۵. *آتشکده آذر*: لطفعلی بیک آذر بیگدلی. به اهتمام سید جعفر شهیدی. تهران، موسسه نشر کتاب، ۱۳۷۷. ص ۱۷.
۶. *احوال و آثار خوشنویسان*: مهدی بیانی، جلد ۱ - ۲، ص ۵۹.
۷. همان، ص ۴۴۷.
۸. همان، ص ۴۵۶-۴۵۷.
۹. *خلاصه السیر*: محمد معصوم بن خواجه اصفهانی. تهران، علمی، ۱۳۶۸. ص ۲۸۶.
۱۰. *هفت اقلیم*: امین احمد رازی. به تصحیح و تعلیق جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی (و) ادبیه، (بی تا). جلد اول، ص ۲۹۴.
۱۱. *احوال و آثار خوشنویسان*: مهدی بیانی، جلد ۱-۲، ص ۵۴۱.
۱۲. *تذکره نصر آبادی*: محمد طاهر نصر آبادی. به تصحیح وحید دستگردی. تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱، ص ۲۴۲.
۱۳. *احوال و آثار خوشنویسان*: مهدی بیانی، جلد ۳-۴، ص ۶۱۶-۶۱۷.
۱۴. همان، ص ۶۴۸ - ۶۴۹.
۱۵. همان، ص ۷۶۲.
۱۶. همان، ص ۸۳۹.
۱۷. همان، ص ۸۴۶.
۱۸. همان، ص ۸۹۱-۸۹۲.
۱۹. *تذکره مرآة الفصاحه*: محمد مفید داور شیرازی. با تصحیح و تکمیل دکتر محمود طاووسی. شیراز، نوید، ۱۳۷۱. ص ۵۹۴.
۲۰. همان، ص ۵۹۵.
۲۱. *فرهنگ رجال قاجار*: جورج پرسی چرچیل. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران، زرین، ۱۳۶۹. ص ۱۴۸.
۲۲. کتابخانه سر پل بازارچه، از آن شهر بخارا بوده است.

۲۳. لباب الالباب: سدید الدین محمد عوفی. چاپ لیڈن (اوقاف گیپ)، ۱۹۰۶. جلد اول، ص ۲۱۱.
۲۴. احوال و آثار خوشنویسان: مهدی بیانی، جلد ۱-۲، ص ۱۶۴.
۲۵. محمد طاهر نصرآبادی، ص ۲۷۲.
۲۶. همان، ص ۷۵.
۲۷. همان، ص ۲۰۸.
۲۸. احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، جلد ۳-۴، ص ۹۴۸.
۲۹. همان، ص ۹۵۱.
۳۰. همان، ص ۹۶۰.